



A T I Y E N O

شناخته شده
P R O F I L E

- صاحب امتیاز:
- موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه (وابسته به سازمان تامین اجتماعی)
- سردبیر: زیر نظر شورای سردبیری
- صفحه‌آرا: محمدرضا لاری چی
- ویراستار: کوروش اشرفی
- طراح: مهرناز منتظریان
- نشانی: میدان آرژانتین، خیابان احمد قسیر
- خیابان دوازدهم، شماره ۲۲
- تلفن: ۰۲۱-۴۵۴۳۶
- تحریریه: داخلی ۱۳۸
- بازرگانی: داخلی ۱۲۲

www.atiyeno.ir

هنر
C U L T U R E



مسعود میر

روزنامه‌نگار

در بارهٔ «بهشت» که ثابت کرد بهشت با سلب‌رینی‌ها ساخته نمی‌شود

جهنمِ گالاپاگوس

به ساحل فلورینا خوش آمدید. جناب دکتر ریتز به‌همراه همسرش سخت مشغول زیست با احوالات رهایی از دنیای پسا جنگ جهانی است و گیاه می‌کارد و بیانه‌ها صادر می‌کند. خانوادهٔ ویتمر پا به جزیره می‌گذارند تا هم از شر زندگی سخت و پر از حرف‌وحديث شهری رها شوند و هم در جوار دکتر و همسرش افق‌های تازهٔ زندگی خاصی که روزنامه‌ها به‌رغم دورافتاده بودن از محل وقوعش، با جزئیات درباره‌اش می‌نویسند را تجربه کنند. سر آخر نوبت «الویز بوسکت دواگنر ورهون» است؛ قم‌فقال آشوب‌گری که می‌آید و رد پای حسادت، نفرت، خون، سرقت و مرگ را در جزیرهٔ بزرگ با ساکنان اندک سفت می‌کند. این قصهٔ واقعی فیلم «بهشت» (EDEN)، البته ریزه کاری کم ندارد، اما حرف‌های گل درشتش را نمی‌تواند مستوری کند.

•••

همین که ران هاوارد با آن «ذهن زیبا» به این ترکیب روایی برای بهشت رسیده بود انگار نیمی از مسیر موفقیت هم طی شد. اما بالآخره بهشت به تصویر کشیده شد و به‌رغم همهٔ بهانه‌های بانمک‌اش چون زندگی بدوی و التذاذهای اولیه، ناگهان در مسیر موشکافی خوی حیوانی انسان، دچار سکنه می‌شود. ناگهان همه‌چیز می‌شود کنسرو گوشت و تنگ و سسک و نوشیدنی. انگار از جایی به بعد فیلم خودش را در روایت زندگی سخت، معذب می‌بیند و زیر میز می‌زند و تمام...



فیلم «بهشت»

کارگردان و تهیه‌کننده: ران هاوارد • نویسنده: نوا پینک • بازیگران: جود لا، آنا دآرماس، ونسا کربی، سیدنی سوئینی، دانیل برول، فلیکس کامر، توبی والاس و ریچارد اسکیر • ۲۰۲۵ • ۱۲۹ دقیقه



تورقی بر کتاب زندگی نامهٔ خودنوشت پاپ فرانسیس

امید به صلح جهانی

کتاب «امید» زندگی نامهٔ خودنوشت پاپ فرانسیس (خورخه ماریو برگولیو) است که با همکاری روزنامه‌نگاران ایتالیایی شکل گرفته و نخستین زندگی‌نامه‌ای است که توسط یک پاپ در زمان خدمت منتشر شده است. این کتاب ثمرهٔ دیدارها، گفت‌وگوها و مطالعهٔ متون و اسناد عمومی و شخصی پاپ فرانسیس است که نگارش آن از سال ۲۰۱۹ آغاز شد؛ مردی که معتقد بود «هم‌چون هر نیکی‌ای در این جهان، همچون هر فضیلتی امید نیز دشمنانی دارد که ما را دعوت می‌کند دست‌بکشیم، تسلیم شویم و به تاریکی تن دهیم و اغلب نخستین دشمن نه در بیرون که در درون ماست». ساختار زمانی نوشته‌ها از سال‌های پیش از کشیش شدن پاپ فرانسیس آغاز می‌شود و تا نیم‌قرن بعد و تمام دورهٔ پاپی او را روشن می‌سازد، دوره‌ای که عمیقاً در گذشته ریشه دارد. روایت کتاب از خانوادهٔ او در بوئنوس آیرس شروع می‌شود؛ خانواده‌ای مهاجر از ایتالیا که زندگی‌شان با خاطرهٔ نجات از یک سفر دریایی نافرجام گره خورده بود. زمینهٔ اصلی روایت را زندگی در میان بحران‌ها، مهاجرت و جست‌وجوی هویت می‌سازد. بخش بعدی کتاب به دوران نوجوانی و جوانی فرانسیس می‌پردازد. او ابتدا به‌عنوان شیمی‌دان کار می‌کند و سپس به‌جمع‌یوسعیان می‌پیوندد.

در این فصل‌ها به کشمکش‌های شخصی و تجربهٔ زندگی در سال‌های پرتنش آرژانتین، از جمله دوران دیکتاتوری و خشونت سیاسی اشاره می‌شود. او در این بازه مسیر روحانی خود را پیدا می‌کند و قدم‌به‌قدم به مقام اسقفی و در نهایت به پاپی در سال ۲۰۱۳ می‌رسد. کتاب در ادامه بیش از آن که به زندگی شخصی بپردازد وارد مباحث اجتماعی و جهانی می‌شود. پاپ فرانسیس از دیدگاه‌هایش درباره مهاجرت، عدالت اجتماعی، تغییرات اقلیمی، اصلاحات

در کلیسا و آیندهٔ ایمان سخن گفته و تجربه‌های شخصی را با تحلیل شرایط امروز جهان ترکیب می‌کند تا نشان دهد امید برای او نه فقط یک احساس، بلکه راهی برای مقابله با بحران‌های بزرگ است. بخش پایانی کتاب حال‌وهوایی تأملی دارد. او دربارهٔ دعا، بخشش و معنای امید در زندگی روزمره حرف می‌زند و هم‌زمان به اشتباهات، کمبودها و بار سنگین گذشته اشاره می‌کند. در اینجا، روایت او به‌نوعی جمع‌بندی تبدیل می‌شود؛ امید به‌عنوان موضوعی فردی و جمعی، که هم در خاطرات شخصی‌اش جریان دارد و هم در نگاهش به آیندهٔ کلیسا و جهان. یکی از بخش‌های جذاب این کتاب روایت دیدار اوست با آیت‌الله العظمی سیستانی است؛ «با

جود ندارد. به‌همین دلیل است که مسیر صلح مانند توسعهٔ حقیقی هرگز نمی‌تواند دوقطبی و بر اساس «تضاد» باشد، بلکه تنها می‌تواند فراگیر و عمیقاً محترمانه باشد.»



کتاب «امید»

نویسنده: پاپ فرانسیس (خورخه ماریو برگولیو) • مترجم: محمود قلی‌پور • ناشر: هرمس • چاپ اول: ۱۴۰۴ • ۳۷۲ صفحه • ۵۸۶ هزار تومان

مروری بر کنسرت‌های پایتخت در آبان امسال

فصلِ موسیقی

دور جدید کنسرت‌ها از ابتدای آبان آغاز شد. از آنجا که شمارهٔ ۵۰۲ هفته‌نامهٔ آتیهٔ نور در روز یک‌شنبه، یازدهم آبان می‌خوانید، راهنما و پیشنهادی از اجراهای موسیقایی پیش‌رو که تا لحظهٔ تنظیم این متن اعلام شده‌اند، مطرح می‌کنیم.

رستپال پیانو پریوز حلوائی فرد، ۱۵ آبان، ساعت ۱۸، موزهٔ موسیقی ایران؛ محمد علیزاده، ۱۶ آبان، سئانس‌های ۱۸:۳۰ و ۲۱:۳۰ در مرکز همایش‌های برج میلاد؛ هژیر مهرافروز، ۱۶ آبان، ساعت ۲۱:۳۰ در تالار وحدت؛ محسن یگانه، ۱۷ آبان، ساعت ۲۱:۵۰ در هتل اسپیناس پالاس؛ مسعود صادقلو، ۱۸ آبان، سئانس‌های ۱۸:۳۰ و ۲۱:۳۰ در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی؛ روزبه بمانی، ۱۹ آبان، سئانس‌های ۱۸:۴۵ و ۲۱:۴۵ در هتل اسپیناس پالاس؛ امید حاجیلی، ۲۰ آبان، سئانس‌های ۱۸:۳۰ و ۲۱:۳۰ در مرکز همایش‌های برج میلاد؛ گرشا رضایی، ۲۰ آبان، سئانس‌های ۱۸:۴۵ و ۲۱:۴۵ در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی؛ کنسرت ارکستر «راشاک» با عنوان «از پرده تا نغمه» به رهبری و سرپرستی حمیدرضا پورعابد ایبانه و کنسرت مایستر موژان میرزایی با اجرای برترین آثار موسیقی فیلم جهان، ۲۰ آبان، ساعت ۲۰ در تالار رودکی؛ بابک جهانبخش، ۲۱ آبان، سئانس‌های ۱۸:۴۵ و ۲۱:۴۵ در هتل اسپیناس پالاس؛ محسن ابراهیم‌زاده، ۲۲ آبان، سئانس‌های ۱۹ و ۲۲ در هتل اسپیناس پالاس؛ گروه «زنده‌رود» به سرپرستی و آهنگ‌سازی بارمان امیری، ۲۲ آبان، ساعت ۲۰ در تالار رودکی؛ کنسرت داوود آزاد با عنوان «هوای تو»، ۲۳ آبان، ساعت ۲۱:۳۰ در تالار وحدت و ارکستر «میترا» به رهبری محمدرضا صفوی و کنسرت مایستر شکلیا خسروی، ۲۷ آبان، ساعت ۲۱:۳۰ در تالار وحدت

• یک‌شنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۴ • شماره ۵۰۲



علی نعیمی

منتقد سینما

چرا سینما و تلویزیون دیگر مرجع جمعی ما نیست؛ چه باید کرد؟

افولِ مرکزیتِ گفت‌وگو

در یک دههٔ گذشته، نحوهٔ تماشای تصویر در ایران دگرگون شده است. مخاطبی که روزی برای دیدن یک فیلم خوب، ساعت‌ها در صف سینما می‌ایستاد یا شب‌ها منتظر ساعت پخش سریال محبوبش در تلویزیون بود، امروز با چند کلیک به صدها ساعت محتوای متنوع در پلتفرم‌های آنلاین دسترسی دارد. این تغییر فقط یک تحول تکنولوژیک نیست؛ نشانه‌ای است از جابه‌جایی مرجعیت فرهنگی. در گذشته، سینما و تلویزیون نقش مرجع مشترک و جمعی داشتند؛ یعنی نقطه‌ای که نگاه‌های پراکندهٔ جامعه را در یک قاب واحد جمع می‌کردند. فیلمی مثل اجاره‌نشین‌ها یا سرپالی مانند پایتخت در زمان خود گفت‌وگوی ملی می‌ساختند. همه درباره‌شان نظر می‌دادند، شوخی می‌کردند و معنایی مشترک خلق می‌شد. امروز اما این «مرکز گفت‌وگو» از میان رفته است. هرکس محتوای مورد علاقه‌اش را در پلتفرمی خاص دنبال می‌کند و تجربهٔ فرهنگی، به جای جمعی بودن، تکه‌تکه و شخصی شده است. کاهش مخاطب سینما در ایران را نمی‌توان فقط به گرانی بلیت یا کمبود سالن نسبت داد؛ مسأله عمیق‌تر از آن است. سینما دیگر برای نسل تازه، مکان تجربهٔ جمعی نیست. پلتفرم‌ها تجربه‌ای راحت‌تر، در دسترس‌تر و شخصی‌تر فراهم کرده‌اند؛ بدون صف، بدون سانس محدود و با انتخاب آزاد. اما در تلویزیون، ماجرا به بحران اعتماد و محتوای تکراری برمی‌گردد. تلویزیونی که روزی با مجموعه‌هایی چون سربداران، روزی روزگاری یا خانه‌سبز هم‌زمان آموزش، سرگرمی و فرهنگ‌سازی می‌کرد، آن توانایی برای همگام بودن با مخاطب را از دست داده است. از میان رفتن مرجعیت سینما و تلویزیون، فقط یک زیان اقتصادی نیست؛ ضربه‌ای است به انسجام فرهنگی. جامعه‌ای که تجربهٔ مشترک دیداری ندارد، دشوارتر می‌تواند دربارهٔ خود گفت‌وگو کند. در گذشته، تماشای یک فیلم یا سریال، نقطه شروع بحثی جمعی بود؛ از خانواده تا اداره و تاکسی. امروز اما این گفت‌وگوها کم‌رنگ شده‌اند. هرکس در دنیای کوچک الگوریتمی خود سیر می‌کند و کم‌تر اشتراک فرهنگی با دیگری دارد. از سوی دیگر، فقدان مرجعیت رسمی، فضا را برای شکل‌گیری مرجعیت‌های غیررسمی باز کرده است. پلتفرم‌های بین‌المللی، شبکه‌های اجتماعی و تولیدکنندگان محتوای مستقل حالا نقش تعیین‌کننده‌تری در شکل‌دهی به ذائقهٔ عمومی دارند. این تغییر لزوماً منفی نیست، اما وقتی نظام رسانه‌ای رسمی با این جریان‌ها وارد گفت‌وگو نمی‌شود، نتیجه‌اش شکاف فرهنگی و گاه بی‌اعتمادی اجتماعی است. با این حال، افول مرجعیت سنتی سینما و تلویزیون به معنای پایان آن‌ها نیست.

در جهان هم، با وجود سلطهٔ پلتفرم‌ها، هنوز جشنواره‌ها، سالن‌های سینما و شبکه‌های عمومی نقش مهمی در تولید معنا دارند. تفاوت در نحوهٔ مواجهه است. رسانه‌های موفق، به‌جای جنگیدن با پلتفرم‌ها، از آن‌ها وام‌وخته‌اند. بی‌بی‌سی و نتفلیکس رقیب نیستند بلکه هر کدام بخش متفاوتی از تجربهٔ مخاطب را پوشش می‌دهند. در ایران نیز می‌توان از همین مسیر الهام گرفت. بازآفرینی سینما و تلویزیون نیازمند درک تازه‌ای از مفهوم مرجعیت فرهنگی است. امروز نه‌آلا بازتحمیل می‌شود و نه صرفاً از طریق انحصار. باید از دل مشارکت و گفت‌وگو شکل بگیرد.

مخاطب امروز در برابر «تبلیغ» و «تلقین» واکنش منفی دارد. او روایت صادق می‌خواهد؛ داستان‌هایی که از دل زندگی واقعی بیرون آمده باشند، نه روایت‌های ایدئولوژیک و بی‌روح. مرجعیت فقط با اعتماد ساخته می‌شود، و اعتماد از صداقت می‌آید. تولیدکننده باید بداند با چه نسلی سخن می‌گوید. نسل جدید نه نوستالژی گذشته را دارد، نه صبر تماشای کلیشه‌ها را. شناخت علمی سلیقهٔ مخاطب، اولین گام احیای سینما و تلویزیون است. پلتفرم‌ها رقیب نیستند؛ فرصت‌اند. همکاری‌های مشترک بین تلویزیون، نهادهای فرهنگی و پلتفرم‌های داخلی می‌تواند محتوای باکیفیت‌تر و گسترده‌تری تولید کند. اگر مرزها منعطف شوند، رسانه ملی می‌تواند بخشی از این زیست‌بوم تازه باشد؛ نه بیرون از آن.